



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۶۴ برابر ۴ نوامبر ۱۹۸۵
بها ۶۰ ریال - سال دوم - شماره ۸۱

در زیر سایه ولایت فقیه

گوشه‌هایی از زندگی دردآلود مردم در جمهوری اسلامی

منقار می‌زند و مرغوا، شومش را چونان خنجری در قلبیت فرومی‌کند.
برای این که گوشه‌هایی از زندگی در زیر سایه ولایت فقیه را تصویر کرده باتیم تنها شماره‌ها، سه چهار روز کیهان را ورق زده‌ایم. بریده‌هایی فراهم آورده‌ایم که در صفحات ۸ و ۹ می‌بینید. مشتکی است و باحتی مشت نه، مثقالی و کرته‌ای، نمونه خروار، نمونه خروارها.

زندگی در سایه ولایت فقیه نوعی جان‌کندن مداوم است. اگر سرنگونی رژیم فقها امری مسلم و بی‌پرو برگردد که دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد، نبود، خود مرگ محسوب می‌شد. این زندگی، یک زندگی تکبیتی و فلاکت بار است؛ در بدردی است، تحقیر است، شکنجه است، زندان است و خانه ساختن در یک گورستان. تحمل زنجیره‌های مداوم است، انکار جغد نفرت انگیزی، به پرده گوشت

ساعات شکوه مند طلوع آفتاب اکبر

با فرارسیدن هفتم نوامبر، ۶۸ سال از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتریت می‌گذرد. بدین مناسبت، از کتاب "راه به انقلاب" نوشته س. کوزمین و ن. میتروفانوف، بخش‌هایی را که مربوط به تشریح رویدادهای تاریخی سه روز پنجم تا هفتم نوامبر است، برگزیده‌ایم.

* * *

موقت، بیهوده او را جستجو می‌کند. در این زمان، لنین با نمایندگان کمیته انقلابی نظامی بلشویک دیدار می‌کند تا شخصا اطلاع یابد تدارک قیام تاکجا پیش رفته است.
بقیه در صفحه ۱

... ولادیمیر ایلیچ لنین، که در دستاوش سرخ همه قضایا را دارد، مردی که تاریخ اوراشیسته دانسته که قادرش سازد گره کور تضادهای اجتماعی در روسیه را بازکند، هنوز مضفی و در یک خانه امن است. دولت

جهان علیه جنایات رژیم در زندانها

"خلفی را دوباره کشتار می‌کنند، اینبار در وجود آنان"

سفارتخانه‌های رژیم جمهوری اسلامی، بربریت قرون وسطایی مرتجعین حاکم را قاطعانه محکوم نموده و خواهان آزادی فدائیان دربند و سایر اسیران سیاهچالهای خمینی جلاد شده‌اند. در این شماره نیز به بازتاب برخی از پیام‌های همبستگی و ابراز انزجار از ددمنشی‌های رژیم خمینی می‌پردازیم.

رژیم آزادی کس و درنده خوی، خمینی با اعدام فرزند قهرمان خلق رضی‌الدین تابان و پنجاه رزمنده فداکار جنبش انقلابی ایران، چهره کریه خود را بیش از پیش به نمایش گذاشت.
نیروهای مترقی جهان با ارسال پیام‌های تسلیت برای سازمان ما و نامه‌ها و تلگرام‌ها، اعتراضی به

اسپانیا

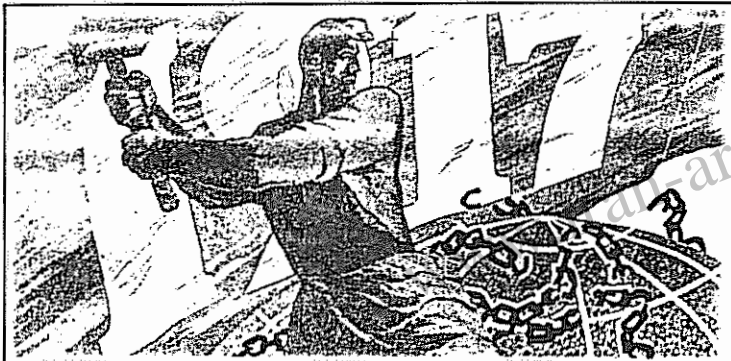
پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا) به

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت)

رفقای عزیز! نوشتن این نامه برای ما دردناک است. بسیار دردناک. بازم جان پنجاه انسان آزادیخواه و مترقی که علیه ظلم و بیدادگری و بخاطر ایرانی آزاد مبارزه کرده‌اند، بربر شد. در میان آنان یکی از اعضا،

رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت)، رضی‌الدین تابان، با جان خود بهای نبرد بخاطر آزادی را پرداخت. خلفی را دوباره کشتار می‌کنند، اینبار در وجود آنان. دیروز رژیم جانی شاه، امروز رژیم قرون

بقیه در صفحه ۲



"معرکه وحدت حوزه و دانشگاه:

وحدت بازار و دانشگاه بنام

"دانشگاه غیر انتفاعی"

روز هشتم خردادماه سال جاری، شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای با حضور خامنه‌ای، قانون تاسیس موسسات آموزش عالی "غیرانتفاعی" توسط بخش خصوصی را به تصویب رساند. به دنبال آن آئین نامه تاسیس چنین موسساتی توسط اعضای شورا، تهیه و تدوین شده و در هفته آخر مهرماه به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. آئین نامه مزبور شامل "اهداف"، "شرایط کلی تاسیس"، "وظایف و

بقیه در صفحه ۲

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

از چنگال حکومت خمینی خون می‌ریزد. این عفریت خونخوار این کوتوله هیولا، این جرثومه پوسیدگی قرون، یاداندانی فشرده از خشم، با چشمانی خون گرفته، پریشان و خودباخته نفیر می‌کشد؛ فریاد می‌کشد؛ به دور خود می‌پیچد، زمین و زمان را به ناسزا می‌گیرد تا ترس مرگ را در خود بکشد. تا ناله‌های مرگ از گلویش شنیده نشود. دیوارهای سردابه اش شکافته است؛ انوار سوزان خورشید چشمان شب پرستش را غیبه کرده است. باید کشت؛ باید کشت؛ این شعله را باید کشت. اما شعله زبانه می‌کشد؛ می‌سوزاند. "تابان" را کشته است، اما مشعل رزم فدائیان، مشعل رزم طبقه کارگر ایران را تابان تر یافته است. جانور، شمش افزون تر و دیوانه تر گشته است.

پرتو کوچکی از مشعل رزم فدائیان بریده‌ای از گزارشهای فعالیت‌های افشاگرانه علیه رژیم جنایتکار خمینی را در صفحه ۶ می‌خوانید

سرنیزه و خدعه برای اعزام کارگران به جبهه‌های بی بازگشت جنگ

دولت، بر طبق یک بخشنامه جدید، واحدهای تولیدی را موظف ساخته است که ۱۰ درصد از کارگران خود را برای سوختن در لهیب جنگ، به جبهه‌ها گسیل کنند. قبلا سهمیه مرکارخانه برای اعزام گوشت دم توب به جبهه، ظاهرا ۲ درصد بوده است.

این موضوع را اخیرا معاون نظارت بر روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشته است (متن بقیه در صفحه ۲)

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

سرنیزه و خدعه، برای اعزام کارگران به جبهه‌های بی بازگشت جنگ

بقیه از صفحه اول

مصاحبه در کیهان ۲۲ مهر چاپ شده است. سرپرست بسیج سپاه پاسداران نیز برای ابراز آمادگی ارگان سرکوبگر خود برای به اجرا درآوردن این بخشنامه تازه یک مصاحبه مطبوعاتی به راه انداخته است. (اطلاعات ۲۸ مهر)

همزمان با اعلام اجبار گسیل یافتن ۱۰ درصد از کارکنان واحدهای تولیدی اعم از دولتی و غیردولتی به جبهه‌ها مدیران و مسئولان انجمن‌های اسلامی کارخانه‌های شهرستان کرج برای یافتن شیوه‌های تازه به منظور اعزام اجباری کارگران به کام عقربیت جنگ، یک گردهمایی تشکیل دادند. در این گردهمایی مسئول ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی کرج اعلام داشت که گوشت دم توپ جبهه‌ها باید از میان کارگران تامین شود. وی گفت: "اگر کارخانجات هر روز یک نیرو بدهند، هفتاد درصد نیازی که ما

با آن (در جبهه‌ها) روبرو هستیم، بر طرف خواهد شد." (کیهان - ۲۴ مهر) این گونه اظهار نظرهای هدف صدور بخشنامه جدید را برملا سازد. کارگران به زعم حکومت می‌بایست پیش از گذشته قربانی اهداف ضد بشری جمهوری اسلامی در تداوم جنگ گردند.

بخشنامه جدید، اصل را بر فریب و نیرنگ گذاشته است، اما از آنجایی که فریبکاریهای رژیم به هیچ رو کارآیی سابق را ندارد، آنچه در عمل به کار بسته می‌شود، توسل به زور و سرنیزه است.

معاون وزارت کار در حین اعلام مضمون بخشنامه جدید دولت، کوشش کرده است بر زمینه فقر و محرومیت کارگران دست به فریبکاری زده و با دادن امتیازات گوناگون، برای رفتن به جبهه‌ها، در کارگران انگیزه ایجاد کند. این

امتیازات عبارتند از برخورداری از حق اضافه کاری، حق مرخصی، حق بدی آب و هوا و بالاخره یک یا دو پایه تشویقی. این گونه امتیازات که اگر کارگران کارخانه‌ای بدون رفتن به جبهه، خواهان آنها باشند، با هجوم مزدوران رژیم به دست حکومت مواجه خواهند شد، خود نشان دهنده ناتوانی رژیم در کشاندن کارگران و بطور کلی عموم مردم به درون کوره جنگ است. رژیم خاش و فریبکار، دیگر نمی‌تواند از "عشق به شهادت" دم بزند و بر بستر فقر و تنگدستی کارگران و توده محروم مردم می‌خواهد، کسب چند روز بیشتر را انگیزه رفتن آنها به جبهه کند. برای کارمندان نیز چنین خدعه‌ای به کار بسته اند. بخشنامه جدید در رابطه با کارگران بخشی از یک مصوبه کلی است که ناظر به کارمندان نیز می‌شود. معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان امور اداری و استخدامی کشور در

مباحثه مطبوعاتی ۲۴ مهر، روی سخنان فریبکارانه اش با کارمندان بود. وی در طی این مصاحبه به کارمندان وعده داد که اگر حاضر شوند قربانی جنگ طلبی‌های رژیم شوند، امتیازات مختلفی خواهند گرفت. این فریبکاری‌ها که چیز تازه‌ای نیستند، تاثیر تازه‌ای که در کارگران، کارمندان و توده محروم مردم به جا می‌گذارند، بر انگیزتین حسن نفرت بیشتر نسبت به رژیم است. چه شده است که دست و دل‌باز شده‌اید؟ چه شده است که باید جانمان را گرو بگذاریم، تا چند نفری از ما همان حقوقی را که حق بدی‌های ما است، به دست آورند؟ این امتیازات فریبکارانه، چاره‌ساز نیستند. سرنیزه باید به میدان بیاید که دیر زمانی است آمده است. توده مردم و در راس آنها کارگران، به سرنیزه اجبار با خشم و نفرت و خیزش، پاسخ می‌گویند.

وحدت بازار و دانشگاه بنام 'دانشگاه غیر انتفاعی'

بقیه از صفحه اول

اجتبیارات هیات امناء" به همراه تبصره‌های هریک او این بندها می‌باشد. بنابر تبصره ۱ بند "شرایط کلی تاسیس"، از حداقل ۵ عضو هیات موسس یک نفر باید "روحانی موجه" باشد، همین "روحانی موجه" عضو هیات امناء نیز خواهد بود. علاوه بر این رئیس موسسه - یعنی سهامدار اصلی - از جمله کسانی است که شرکت وی در جلسات هیات امنا ضروری است.

تصویب بودجه جاری و عمرانی و تحقیقاتی دانشگاه، تعیین نحوه اداره واحدهای تولیدی موسسه، پیشنهاد انحلال واحدها و مراکز علمی و آموزشی دانشگاه به هیات موسس، تعیین میزان شهریه دانشجویان و... از جمله وظایف و اختیارات هیات امنای "دانشگاه‌های غیر انتفاعی" است.

تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تاسیس موسسات خصوصی بیش از هر چیزی نشانه شکست سیاست‌های آموزشی و "انقلاب فرهنگی" خمینی از یک سو و تلاش برای ایجاد یک عرصه دیگر برای چپاول و غارت اوسوی دیگر است. بر اثر سیاست‌های رژیم خمینی طی چند سال گذشته، یعنی از سال

تاکنون با وجود نیاز شدید کشور به نیروهای آموزش دیده و متخصص، رقم دانشجویان نسبت به رشد جمعیت کشور نه تنها افزایش نیافته بلکه به سرعت سیر نزولی طی کرده است. بنا به اظهار ویر سابق آموزش عالی، هم اکنون در کشور ما به ازای هر صد هزار نفر ۴۹۶ دانشجو وجود دارد یعنی رقمی پایین‌تر از نیم درصد در میان استادان و اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور وضع از این نیز اسف‌بارتر است بطوری که از ۱۳۹۰ نفر استاد دانشگاه در سال ۵۷، هم اکنون کمتر از ۶۵۰ نفر به کار خود ادامه می‌دهند. بقیه با خرید اجباری، اخراج، وندانی و یا ناچار به ترک وطن شده‌اند. نسبت تعداد استادان به دانشجویان با توجه به سال ۵۷ دو برابر شده، یعنی اگر در سال ۵۷ به ازای هر ۱۲ دانشجو یک استاد وجود داشت این رقم در حال حاضر به هر ۲۳ دانشجو، یک استاد تغییر یافته است. همچنین اعضای هیات‌های علمی به اعتراف خود دست‌اندرکاران رژیم به یک سوم تعداد سابق کاهش پیدا کرده است. تنها در طول ۴ سال گذشته بیش از ۷۵۰ نفر از اعضای هیات‌های علمی موسسات آموزش عالی برکنار شده‌اند.

وضع برنامه‌های آموزشی نیز به همین سیاق پیش رفته است. جدا از نبردهای شدید طبع علمی متون آموزشی مطالبی تحت عنوان "اسلام شناسی"، "ایدئولوژی اسلامی"، "اخلاق اسلامی" جایگزین واحدهای کسر شده از دروس علمی و فنی شده‌اند، همین‌طور تحت عنوان "طرح وحدت حوزه و دانشگاه" ملاها به مقام "استادی" ارتقا یافته و بساط مغفبر و روضه را در کلاس‌های دانشگاه دایر کرده‌اند، در هر کدام از عرصه‌های آموزشی، وضعیت زیستی دانشجویان، نحوه اداره دانشگاه‌ها و مدارس عالی و... می‌توان سیاهه بی‌انتهایی از تباهکاری‌های دست‌اندرکاران آموزشی حکومت جمهوری اسلامی را ارائه داد که اینک این سیاهکاری‌ها تکمیل می‌شود.

دولت قبلا در قانون بودجه خود تبصره‌هایی گنجانده که اخذی از دانشجویان را تحت عناوین مختلف صورت قانونی می‌بخشید و نمونه آن تبصره ۸۹ بودجه سال جاری است. اکنون با تصویب آیین‌نامه تاسیس "دانشگاه غیر انتفاعی" رژیم خمینی سیاهه اعمال خود را تکمیل کرده و همه دستاوردهای مردم و بویژه دانشجویان

را در راه بهره‌مندی از تحصیل رایگان لگدکوب می‌کند.

واقعبیت این است که اصطلاح "غیر انتفاعی" چیزی جز کلاه شرع و

مهر برای عوامفریبی نیست چرا که هیچ سرمایه‌دار و تاجری حاضر نیست در جایی سرمایه‌گذاری کند که آخر سال دخل و خرجش یکی باشد، آن‌چه که سرمایه‌داران و "تجار محترم" را تشویق به "خدمت" و "عنايت" می‌کند وجود زمینه چپاول و غارت و قدرت است حتی اگر این زمینه دانشگاه باشد.

طراحان تاسیس دانشگاه "غیر انتفاعی" و خصوصی نیز پیش از آن که هدف گسترش علم و آموزش و خدمت به مردم را دنبال کنند بیشتر به فکر باؤگشایی حجره‌ای جدید تحت عنوان "دانشگاه" هستند. آنان با تاسیس چنین حجره‌هایی سرپوش گذاشتن بر شکست فاحش سیاست‌های آموزشی خویش را نیز جستجو می‌کنند. آنان همچنین می‌کوشند ضمن ایجاد بازار تجارت و کسب "سودهای حلال" و فروش جواز ورود به دانشگاه و سپس دانشنامه، امکانات آموزشی کشور را بطور انحصاری در اختیار نورچشمی‌های خود به همراه دیگر فرزندان اقشار مرفه قرار دهند.

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

جهان عليه جنايات رژيم در زندانها

بقیه از صفحه اول

وخطای خمینی. امام می دانیم که در مبارزه ای که مبارزه مانیز هست، به پیش خواهید رفت. مبارزه در راه رهایی خلق ها، آزادی، صلح و پیشرفت همواره فراروی ماست. مبارزه شما بخاطر آزادی، علیه سرکوب و اختناق، علیه جنگ احمقانه ای که مردم ایران و عراق را در مقابل یکدیگر قرار داده است، مبارزه ماست. شهدای شما شهدای ما هستند.

زنده باد مبارزه قهرمانانه خلق ایران
ایگناسیو کاپیکو
دبیر اول حزب کمونیست (اسپانیا)

* حزب کمونیست (اسپانیا)، نامه ای نیز در اعتراض به اعدام رفیق تابان و همزمان خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در مادرید ارسال داشت؛ در بخشی از این نامه که به

اعضای دبیر اول حزب رسیده، آمده است:

"به شما این نامه را می نویسیم تا شدیدترین اعتراض خود را بخاطر اعدام یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، رضی الدین تابان و پنجاه تن دیگر که تنها جرم آنها مبارزه بخاطر آزادی، بود ابراز داریم."

در این نامه به خواست آزادی فوری رفیق انوشیروان لطفی، فدائیان، توده ای های دربند و دیگر زندانیان سیاسی میهن ما تاکید گردیده است.

در پایان نامه اعتراضی حزب کمونیست (اسپانیا) آمده است: "آقای سفیر فراموش نکنید که ورا' سرکوب، خلق همواره به مبارزه ادامه می دهد و همیشه پیروز خواهد شد."

تلگرام اعتراضی کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا

* از سوی کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا (P.Z.E) تلگرامی شرح زیر خطاب به رئیس دولت ایران ارسال گردیده است: "اعدام و حبس رضی الدین تابان از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را محکوم می کنیم و به نام حقوق بشر، آزادی، و تضمین جانی کلیه زندانیان سیاسی را خواهانیم."

کمیسیون روابط بین المللی حزب کمونیست اسپانیا (P.Z.E)، رافائل آلبرتی (شاعر بزرگ و مشهور اسپانیا)، مارکوس آنا (شاعر و مبارز مشهوری که بیست و سه سال در زندانهای فرانکو بسر برد)، چند تن از نمایندگان مجلس و کمیته های ایالتی حزب کمونیست، در تلگرام های جداگانه ای، اعدام رفیق تابان را محکوم نموده و خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند.

سوئد

پیام تسلیت گروه پارلمانی حزب کمونیستهای چپ سوئد به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

تسلیت های خود را در رابطه با شهادت رضی الدین تابان ابراز داریم. ما معتقدیم که این چنین شیوه های جنایتکارانه رژیم ایران نمی تواند خللی در مبارزه شما در راه خوشبختی و آسایش مردم ایران ایجاد نماید.

گروه پارلمانی حزب کمونیست های چپ برتیل-مورنیک

بوسیله اطلاعیه مطبوعاتی فدائیان خلق ایران (اکثريت) در اروپا، غربی مطلع شدیم که رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی، همراه با پنجاه تن از انقلابیون ایران در نیمه ماه سپتامبر اعدام گردید.

مایلیم عمیق ترین

نامه اعتراضی کمیته مرکزی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست انقلابی سوئد به رژیم جمهوری اسلامی

حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست انقلابی سوئد طی نامه ای به سفارت ایران در استکهلم نوشت: "حزب ما شدیدترین اعتراض خود نسبت به اعدام رضی الدین تابان را به مسئولین حکومتی ایران ابراز می دارد.

تابان یکی از رهبران سرشناس اپوزیسیون انقلابی رژیم خونخوار ایران، پس از سه سال شکنجه دائم و عذاب در زندانها، رژیم به قتل رسیده است.

ما پشتیبانی کامل خود را از تمام نیروهای دموکراتیکی که علیه رژیم کنونی ایران مبارزه می کنند، اعلام می داریم و خواستار آزادی بی درنگ کلیه زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

کمیته مرکزی KPLM (P) سئو، جان-فرانک مسئول بین المللی

* از سوی دبیر اول سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد، حزب کمونیست های چپ سوئد

فرورز

* حزب سوسیال دمکراتها، فرورز با ارسال نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی، ضمن ابراز همبستگی با سازمان فدائیان خلق ایران

آمریکا

* سازمان زنان مدافع صلح در شهر سیاتل آمریکا در تلگرامی به نمایندگی ایران در سازمان ملل نوشت: "سازمان زنان مدافع صلح در شهر سیاتل از دولت شما - جمهوری اسلامی - می خواهد که به جان انوشیروان لطفی آسیبی نرسانید..."

این سازمان به صدور اعتراض های ترقیخواه ایالت حسن آلمان فدرال به جمهوری اسلامی

شماری از احزاب، سازمانها و نیروهای ترقیخواه در ایالت حسن آلمان فدرال آنها ارسال نامه های جداگانه برای سفارت جمهوری اسلامی در بن، نسبت به اعدام جنایتکارانه فدایی قهرمان، رضی الدین تابان اعتراض کرده و خواهان لغو فوری احکام اعدام در مورد سایر فدائیان و توده ای های دربند، آگاهی فوری افکار عمومی از سرخوش رفیق انوشیروان لطفی، برگزاری دادگاههای علنی با حضور غیرنظامیان و وکلای خارجی و قطع شکنجه و کشتار در زندانهای ایران

در امئو، حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست انقلابی در امئو، حزب کمونیست های چپ سوئد در امئو و نوریوتن و کمیته آمریکای لاتین در امئو و... پیام های تسلیتی خطاب به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و همچنین نامه هایی به سفارت ایران در اعتراض به اعدام رفیق تابان و اعمال فشار علیه زندانیان سیاسی ایران ارسال گردیده است. در همه این نامه ها لغو احکام اعدام، قطع شکنجه در زندانها و آزادی زندانیان سیاسی ایران خواسته شده است.

در پایان پیام سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری سوئد شهر زیر درج شده است

واماندگان گویند: "مرگ برای همه یکسان است" - حقیقت اما این است:

انسان بد انسان میرد که زیسته است مردن به هوایی بهره یی ارزشی دارد سبک چون پر مردن مادورره خلق ارزشی دارد گران چون کوه

(اکثريت)، جنایات رژیم و اعدام های اخیر را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی میهن ما شده است.

احکام اعدام در بیدادگاههای رژیم جمهوری اسلامی اعتراض نموده و خواهان اجازه ورود به یک تیم بین المللی از وکلای بیطرف به ایران گردیده است تا از زندانهای جمهوری اسلامی دیدار بعمل آورند و وضع زندانیان را از نزدیک مورد بررسی قرار دهند.

شوند. این سازمانها عبارتند از:

- حزب کمونیست آلمان، ایالت هنس؛
- اتحادیه بین المللی کارگران خارجی؛
- حزب کمونیست آلمان سازمانهای فرانکفورت و ماینز؛
- سازمان جوانان کارگر سوسیالیست - ایالت هنس؛
- سازمان جوانان سوسیالیست، وابسته به حزب سوسیال دمکرات آلمان، ناحیه جنوب هنس؛
- کمیته خاور نزدیک - فرانکفورت

به دستور خمینی، مجلس به کابینه موسوی رای اعتماد داد

خمینی:

عبارت بیان داشت که "رای متمنع یا رای عدم ال رای" کثرت آرای متمنع باعث آن نشد که تعداد آرا مخالف اندک باشد. در موارد بسیاری تعداد آرای مخالف بیش از آرای متمنع بود و از ۸۰ رای هم فراتر رفت. علاوه بر این عده نمایندگان که در حین رای گیری از حضور در جلسه مجلس سرباز می زدند، در برخی از موارد تا ۲ نفر هم می رسید.

نوبلی و نمازی که کاندید احراز مقام وزارت معادن و فلزات و اقتصاد و دارایی بودند، نتوانستند آرای لازم را بدست آورند و از ترکیب کابینه حذف شدند.

میزان صد و نفت جمهوری اسلامی

به دنبال حملات مکرر نیروی هوایی عراق به تأسیسات نفتی ایران مسئولین جمهوری اسلامی، تلاش گسترده ای، مبذول داشته اند تا صادرات نفت خود را عادی جلوه دهند. این روزها رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ملو از گزارشات خبرگزاری های خارجی مبنی بر عادی بودن صادرات نفت ایران است. حدود یک ماه پیش غرضی، وزیر نفت سابق جمهوری اسلامی مدعی شده بود که ایران توانایی صدور چند برابر سهمیه تعیین شده از سوی اوپک را دارد و خامنه ای نیز ادعا کرده بود که ایران توانایی صدور ۴ میلیون بشکه نفت در روز را دارد. رسانه های گروهی جمهوری اسلامی با استفاده از گزارشات رویترز، آسوشیندپرس و... مدعی شده اند که صادرات نفت کشور در حال حاضر بالغ بر ۱/۸ میلیون بشکه در روز می شود. آقازاده، وزیر جدید نفت نیز ادعا کرده است که میزان نفت پالایش شده ایران به ۷۲۷ هزار بشکه در روز بالغ می شود. این در حالی است که بنا به گزارشات مورد تأیید رژیم، پالایشگاه عظیم آبادان، تأسیسات پالایشی مسجد سلیمان و باختران از دایره تولید و فعالیت خارج شده اند.

منع عبور و مرور شبانه افغان هادر یزد

مسئولین انتظامی جمهوری اسلامی هراژ چندگاه در پی شدت گیری اعتراضات مردم به جنایات اشرار افغانی در ایران، به اقداماتی نمایی دست می زنند. آخرین اقدام از این دست، تصمیم مسئولین استان یزد است. بنا به نوشته کیهان هوایی اول آبان ماه شهربانی و دیگر ارکان های انتظامی این استان اعلام داشته اند که از این پس "عبور و مرور افغانه" در ساعات شب (از ساعت ۸ شب تا ۵ صبح) در سطح استان یزد ممنوع شده است.

دفاع از پلیس، بر عهده کمیته هاست

حجت الاسلام سالک سرپرست کمیته ها برای ترسیم حد و مرز اختیارات شهربانی و کمیته اطلاعیه تازه ای صادر کرد. در این اطلاعیه ضمن این که عنوان گردید وظایف امنیتی و سرکوپکرانه، مقابله با حرکات توده ای و از جمله اعتصابات، مقابله با انقلابیون... بر عهده کمیته ها قرار دارد، تأکید شده است که حتی امر دفاع از اماکن پلیسی و اشخاص امور مربوط به پلیس نیز از حقوق و اختیارات پاسداران کمیته ها می باشد.

روز شنبه چهار آبان، موسوی نخست وزیر، لیست ۲۴ نفره کابینه خود را به مجلس ارائه داد. مجلس نینز طی دوروز بحث، در روز دوشنبه شش آبان، به ۲۲ تن از ۲۴ نامزد وزارت رای اعتماد داد. باید خاطر نشان کرد که تهدیدات خمینی و منتظری، علیه مخالفین حکم ولایت فقیه باعث شد که بسیاری از مخالفین دولت موسوی رای متمنع بدهند. فزونی تعداد آرای متمنع که در مورد برخی از وزرا به ۷۰ برکه رای بالغ می شد، تا کنون هیچگاه در مجلس سابقه نداشته است. هاشمی رفسنجانی هنگام قرائت آرا ناراضیاتی خود را از کثرت آرا متمنع با این

جنگ در حوزه خلیج فارس

در هفته گذشته نیز، چون هفته های قبل، کانون اصلی جنگ در آبهای خلیج فارس قرار داشت. عملیات "عاشورا، ۴" و "یا امام موسی ادرکنی" نیز نتوانست جز در عرصه تبلیغات رسانه ها و مسئولین جمهوری اسلامی، تغییر دیگری در اوضاع جنگی ایجاد نماید. نیروی هوایی عراق در هفته گذشته با تجاوز به -عریم هوایی کشور برای سی و سومین بار ترمینال نفتی خارک را بمباران کرد.

در هفته های اخیر خارک تنها آماج نیروی هوایی عراق نبوده است. علاوه بر ترمینال نفتی خارک، دیگر تأسیسات نفتی ایران نیز بدفعات هدف بمباران جنگنده های عراقی قرار گرفته اند. در هفته گذشته، دو حوزه نفتی اردشیر و سیروس که در غرب جزیره خارک واقع هستند، بمباران شدند. علاوه بر آن رژیم عراق مدعی شد که هواپیماهای آن کشور به تأسیسات نفتی رامهرمز و نینز به ایلام حمله کرده اند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی خبر حمله به ایلام را تأیید کرد ولی آنرا حمله به مناطق مسکونی حومه ایلام اعلام نمود.

جمهوری اسلامی اعلام داشت که نیروی هوایی ایران در پاسخ به حملات هواپیماهای عراقی تأسیسات نفتی عراق را در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی الحماره بمباران کرده است. ستاد مشترک در ضمن اعلام داشت که یک هواپیمای عراقی را در آبهای کناری جزیره خارک سرنگون ساخته است.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی نیز روز جمعه ۱۰ آبان، اعلام کرد که یک کشتی متعلق به آلمان فدرال را در آبهای خلیج متوقف ساخته و به یکی از جزایر ایران هدایت نموده است. خامنه ای، رئیس جمهور نیز در نماز جمعه هفته پیش ضمن تأکید بر سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه و استمرار توقیف کشتی ها، اعلام کرد هر کشتی که به آبهای خلیج فارس وارد می شود، باید از قرنطینه ایران بگذرد در حالیکه اوضاع در خلیج همچنان متشنج و بی ثبات است، جراث فرانسوی اعلام داشته اند که نیروی هوایی عراق در آینده با دریافت ۲۴ فرورد میراژ ۳۵ تقریباً خواهد شد. دولت فرانسه با انعقاد قراردادی تازه با رژیم صدام موافقت خود را با صدور این سلاحها به عراق اعلام داشته است. این اقدام گام تازه ای در دامن زدن به جنگ و تشنج در خلیج محسوب می شود. رژیم عراق هم اینک ۸۹ هواپیمای میراژ ۳۵-۱ در اختیار دارد که به موشکهای آگزوست مجهزند. همین هواپیماها هستند که در حمله به تأسیسات نفتی ایران به کار گرفته می شوند.

"باید خودمان را نجات بدهیم"

رئیس جمهور، نخست وزیر و هیات دولت تازه، روز پنجشنبه ۹ آبان با خمینی دیدار کردند. خمینی طی سخنانی که از رادیوی دولتی جمهوری اسلامی همان روز پخش گردید، خطاب به هیات دولت و روحانیون و دیگر مسئولین مملکتی مطالبی را بیان نمود. سخنان خمینی دو رکن اصلی داشت. محور نخست سخنان خمینی پیرامون اختلافات درون حکومتی بود. خمینی از نمایندگان مجلس که بنا به خواست وی، قضیه رای اعتماد به وزرا را فیصله داده بودند، تشکر کرد. خمینی درباره اختلافات درون حکومتی و متمسکی خطاب به نمایندگان مجلس، هیات دولت، روحانیون و دیگر مسئولین جمهوری اسلامی گفت: "من از روحانیون همه کشور می خواهم که در یک همچون موقعی کمک کنند به دولت و کمک کنند به آرمان های اسلام، اگر بخواهند یک وقت خدای نخواستہ آن ها هم در این مورد کارهایی بکنند که نمی کنند انشا الله، ولیکن اگر یک وقتی بخواهند شکستی بشود برای دولت، شکست بشود برای مجلس و امثال این ها، خودمان را بدست خودمان نجات بدهیم". خمینی تلویحاً اس از مردم را گوشزد کرده و گفت: "باید عقلمان را بازن کنیم و باید خودمان را نجات بدهیم، نشینیم که دیگری بیاید."

خمینی از همه وزرا درخواست کرد تا هماهنگ باشند و عنوان نمود که اگر یکی از وزارتخانه ها هماهنگ نباشد، کار پیش نمی رود.

محور دوم سخنان خمینی، دفاع از بازار و بازاریان بود. وی، بار دیگر فریبکارانه بازار و مردم را مترادف هم طرح کرد. خمینی گفت: "مردم را شرکت دهید و دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید، بازار را شرکت دهید... مردم را در سحنه نگه دارید..."

رفسنجانی: نماز جمعه

نباید دکان یک جریان خاص باشد

شرکت ائمه جمعه در شهرهای کشور در درگیریهای جناحی، حکومتی و اظهارات آنان لهویا علیه این یا آن جریان در هفته های اخیر افزایش یافته است. در آخرین روزها، همراه منتظری و هاشمی رفسنجانی به ائمه جمعه در این مورد هشدار دادند. منتظری خطاب به شرکت کنندگان در سینار "دبیر خانه های استانی ائمه جمعه" از آنان خواست تا اختلافات را به "ساحت نماز جمعه" ننگانند.

از سوی دیگر هاشمی رفسنجانی نیز در دیدار با اعضای برگزار کننده سومین سینار ستادهای نماز استان تهران، تذکر داد که "برگزاری نماز جمعه نباید بگونه ای باشد که همه مردم بتوانند در آن شرکت کنند و احساس نکنند اینجا دکانی برای یک جریان خاص می باشد."



مبارزه پیروزمند کارگران ذوب آهن اصفهان

در شماره‌های پیشین اکثریت پیرامون مقابله کارگران ذوب آهن اصفهان با بخشنامه مدیریت در مورد حق اضافه‌کاری، اخباری درج کردیم. مدیریت ذوب آهن اصفهان در تاریخ چهاردهم خردادماه خطاب به کارگران این واحد نوشته بود که از این پس به کارگران شیفت کار برای روزهای تعطیل آخر هفته اضافه‌کاری، تعلق نمی‌گیرد و همچنین در روزهای تعطیل وسط هفته آنان فقط می‌توانند از اضافه‌کاری استفاده کنند. در صورتیکه قبل از آن کارگران بین گرفتن اضافه‌کاری و یا انتخاب یک روز تعطیل در هفته با هماهنگی قبلی متناظر بودند. پس از اعلام این بخشنامه کارگران متحداً دست به اعتراض زدند از جمله در "نورد ۵۰۰" کارگران لوماری تهیه کردند که طی آن تهدید به تعطیل کردن کار و خواباندن کارخانه نمودند. اعتراضات متحد کارگران به پیروزی انجامید و مدیریت مجبور شد بخشنامه‌ای صادر نماید و اعلام کند:

"... تا اطلاع ثانوی بخشنامه مورخه ۶۴/۳/۱۴ کان لم یکن می‌باشد..."

آلودگی شدید محیط کار در مس سرچشمه

اخیراً موج استعفا، کارشناسان و مهندسی در مس سرچشمه کار این مجتمع را به رکود کشانده است. مهمترین علت این امر آلودگی فوق‌العاده شدید محیط کار و وجود ابرهای سی و آلوده بر فراز محیط کار است که اغلب مهندسی و کارشناسان بعد از معاینه کلی سالیانه از وجود آن مطلع شده‌اند. خطر ناشی از این آلودگی پیش از همه سلامتی کارگران را که حضور بیشتری در محیط کار دارند، تهدید میکند.

کارگران که خود در نهایت تنگدستی بسر می‌برند و از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی معرومند ناچارند بخاطر امرار معاش خطرات ناشی از آلودگی شدید محیط کار را نیز تحمل کنند.

تظاهرات مردم فارس

در تاریخ ۴ شهریورماه سال جاری مسئولان رژیم جنایت پیشه در شهر فارس واقع در استان چهارمحال بختیاری جنایت تازه‌ای آفریدند. در این روز ماموران شورداری به اتفاق چند پاسدار و خودشهردار بدون اطلاع قبلی در محل خانه‌هایی که مردم زحمتکش این شهر در خارج از محدوده با کمترین امکانات ساخته بودند، حاضر شدند و از مردم خواستند که خانه‌های خود را ترک کنند زیرا به گفته آنان این خانه‌ها فاقد پروانه ساخت بوده و باید خراب می‌شدند! ولی زحمتکشان محل که خانه‌ها را با

رژیم ولایت فقیه با همه توان خویش از انتشار آنها جلوگیری می‌کند. حکومت خمینی بزه در رابطه با اخبار مربوط به "ملاها" حساسیت زیادی به خرج می‌دهد.

در رژیم به ذکر چند خبر از وضعیت آخوندهای وابسته به رژیم، در شهر "مرند" می‌پردازیم... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

* رئیس کمیته انقلاب اسلامی مرند -حجت الاسلام میرزا حسین رحمتی که یک روحانی فاسد و مرتجع است. با اقدامات خویش نظرمه اهالی مرند را بخود جلب نموده است.

پس از انقلاب هم خود رحمتی هم پیرانش صاحب اتوموبیل‌های آخرین مدل شده‌اند. یکی از پسران وی، بدون داشتن دیپلم و مجوز قانونی مطلب داندانیشکی دایر کرده است. در ضمن آقای رحمتی هم‌ساله تحت عناوین مختلف از جیب "بیت المال" عازم سفر می‌شود و در بازگشت انواع و اقسام لوازم صوتی و تصویری را که این روزها بازار گرمی دارند، به همراه می‌آورد. لازم به ذکر است که پسر وی، با استفاده از نفوذ پدرش توانست خدمت وظیفه را در پادگان مرند بگذراند و از فیض حضور در جبهه معاف گردد.

* حجت الاسلام سید محمد فیض حسین از روحانیون بانفوذ مرند است که بعد از انقلاب در تمامی ادارات و مشاغل دست داشته و از جمله مدتی نیز شهردار مرند بوده است.

وی این روزها با ساختن خانه جدید که به قصر شباهت دارد تعجب اهالی را برانگیخت. وی یک بار ساختمان خانه را به اتمام رساند ولی چند روز بعد از اثبات کثی به منزل جدید، افراد ناشناسی قسمت عده خانه‌اش را به آتش کشیدند و به "آقا" خیردادند که چون خانه را از طریق غارت اموال مردم ساخته است، اگر از نوبسازد، آنرا دوباره به آتش می‌کشند. اما "حاج آقا" خانه را با شکوهتر از قبل ساخت.

همه مردم از کج بریهای گرانبها و تزئینات داخل و فرشهای گران قیمت خانه صحبت می‌کنند. حاج سید محمد فیض حسین قبل از انقلاب ثروتی نداشت.

* آخوندی بنام شیخ محمد حسین ایمانی یامچی که قبل از انقلاب ملای یک محله کوچک در دهکده یامچی واقع در اطراف مرند بود، بعد از انقلاب با گذراندن یک دوره چند ماهه بعنوان قاضی شرع، نخست در رشت و سپس در آذربایجان غربی به مسئولیت دادگاه انقلاب اسلامی منسوب گردید و عده‌ای را به خون غرقه ساخت. وی کاندید نمایندگی مجلس نیز بود که انتخاب نشد.

اخیراً آخوند نامبرده به اتفاق برادرش و همچنین یکی از اهالی روستای یامچی بنام علی صادقی که از بدنام‌ترین افراد مرند می‌باشد و عده‌ای اوباش دیگر، باندی تشکیل داده و به آزار مردم می‌پردازد. افراد باند شیخ، سوار بر مرسدس‌های آخرین مدل و مسلح به اسلحه مدرن به اخاذی از مردم می‌پردازند.

* علیزاده مسئول هلال احمر مرند، ملابی است که با اقدامات خود باعث از هم پاشیدگی هلال احمر و ناراضیاتی کارکنان آن شده است.

گفته می‌شود که وی صدها هزار تومان از اموال این نهاد را بویژه از راه ساختن بنای جدیدی که اینک مدت مدیدی است ناتمام مانده، به جیب زده است.

نهون دل ساخته بودند و جای دیگری برای زندگی نداشتند راه مقاومت در برابر بیورش مزدوران را برگزیدند.

مردم به مشاجره لفظی با مامورین می‌پرداختند و در این میان پیرمردی در مقابل خانه خود می‌ایستد و می‌گوید باید از روی جسد من رد شوید تا بتوانید این خانه را خراب کنید. شهردار به پاسداران اشاره می‌کند او را از سر راه بردارند و پاسداران این کار را کمال خونسردی با خالی کردن یک گلوله در سیغه پیرمرد انجام می‌دهند. بدنبال این عمل جنایتکارانه، مردم با پاسداران درگیر شده و دامنه درگیری به یک تظاهرات سراسری در شهر فارس تبدیل می‌شود.

مردم با تظاهرات مرگ بر خمینی - مرگ بر جنگ و مرگ بر توسلی (امام جمعه فارس) - نیابانهای شهر را در می‌نوردند. مسئولان وحشت زده فارس از شهر کرد تقاضای نیروی کمکی جهت سرکوب تظاهرات می‌کنند و بلافاصله از شهر کرد نیروی کمکی عازم فارس می‌شود ولی دامنه تظاهرات باز هم وسعت می‌گیرد.

تظاهرات مردم تا چند روز ادامه یافت. مردم می‌گفتند این رژیم همان می‌کند که رژیم شاه ملعون می‌کرد.

اجرای حکم شلاق

علیه اعضای یک خانواده در کرمان

چندی پیش شلاق زدن یک خانواده به اتفاقی همسانان نشان منجر به اعتراض بسیار شدید مردم کرمان نسبت به لگدمال کردن آزادیهای عمومی توسط جمهوری اسلامی گردید.

اعضای این خانواده در طی یک دوره مهمانی خانوادگی دستگیر می‌شوند. سیاه پس از دستگیری حکم شلاق را برای آنها (۵ تا ۶ نفر زن و ۵ نفر مرد) صادر می‌کند. حکم می‌بایست در میدان متناق کرمان اجرا شود. روز اجرای حکم، جوانان کرمان در چندین حلقه دور سیاه و افراد خانواده مزبور جمع می‌شوند.

انبوه جوانان و مردم مانع از اجرای حکم، بویژه در مورد زنها می‌شوند و حلقه را تنگ تر می‌کنند و به سیاه امکان تعلق زدن را نمی‌دهند. سیاه در هراس از مردم به مینی‌بوس حامل دستگیر شدگان پناه برده و در بهای آنرا بسته، از کمیته و شهربانی استمداد می‌طلبد.

مردم قصد واژگون کردن مینی‌بوس را می‌کنند که به هترتیب سیاه با کمک کمیته و شهربانی و تیراندازی هوایی از دست مردم می‌گریزد. سرانجام بدون اطلاع مردم، حکم در مورد افراد این خانواده، روبروی دفتر جهاد در میدان آزادی اجرا میشود. این عمل تنفر و انزجار شدید اهالی را برانگیخت.

جمهوری اسلامی تپلور فساد

فساد سراپای رژیم دزدی و جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. روزی نیست که اخباری پیرامون رشوه‌خواری و دزدی در نهادها و ارگانهای حکومتی شنیده و دیده نشود. اما این خبرها تنها قطره‌ای از مرداب گندیده رژیم را نمایان می‌سازند.

در جمهوری اسلامی دزدی‌ها، رشوه‌خواری‌ها، زدوبندها و سوءاستفاده‌های عظیمی انجام می‌گیرند که

بقیه از صفحه ۱

بخشی از یک نامه دریافتی،
 "... تحریم انتخابات از سوی
 تمام مخالفان تاثیر خود را در مردم
 گذاشته بود و جالب اینکه درصد
 بالایی از تبلیغات برای تحریم رانیز
 فدائیان خلق پیش بردند. مردم در
 هفته آخر موعده انتخابات می دیدند
 که روبروی در خروجی سینماها،
 ایستگاه های اتوبوس شلوغ و از بالای
 پلها اعلامیه و تراکت پخش
 می شود ویا از بالای پلها پلاکارد
 آویزان می شود و روی دیوارها با
 اسپری و در ایستگاه های اتوبوس،
 تلفنهای عمومی، صدلی های
 اتوبوسها، با ماژیک و وسایل دیگر آنها
 را به تحریم انتخابات دعوت
 کرده اند. بله همانگونه که ماهها کار
 انقلابی مداوم سال ۶۲ نام سازمان را
 بعنوان سازمانده حرکات و اعتراضات
 مردمی در جامعه تثبیت کرد امسال نیز
 مردم در هر کوی و برزن فدائیان را
 در کنار خود می دیدند که ..."

تهران

* "... در بیمارستان فیروزگر
 تهران طی ماه گذشته دربار اعلامیه
 سازمان پخش شد. هر دو اعلامیه محتوی
 ضد جنگ داشتند و در آنها از مردم
 خواسته شده بود که از فرستادن
 فرزندانشان به جبهه جلوگیری کنند.
 اعلامیه ها به داخل تمام اطاقهای
 بیماران و بخش اداری بیمارستان
 انداخته شده بود. اعلامیه ای نیز به
 اطاق انجمن اسلامی انداخته شده بود
 که هر دو بار انجمن اسلامی بسیار
 خشناک شده بود."

* از گزارش یک واحد:
 "اعلامیه در مورد تحریم
 انتخابات را در تیراژ سه هزار نسخه
 تهیه و پخش نمودیم"

یکی از واحدهای سازمان آمار
 فعالیت های تبلیغی خود در مردادماه را
 چنین گزارش کرده است:

* تراکت زیر از سوی گروهی از هواداران سازمان تهیه و توزیع گشت:

مردم قهرمان!

هدف برگزاری این نمایش انتخاباتی

جز فریب مردم و مشروع جلوه

دادن این رژیم جنایتکار نیست، با

تحریم انتخابات چهره پلید و جنگ

طلب خمینی و اپرولا سازید.

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



اتوبوسها، تلفنهای عمومی، دیوار
 منازل، آسانسورهای شرکت های
 خصوصی دولتی و... بوده است."

* بریده یک نامه:

"... مردی که در نارمک شاهد پخش
 اعلامیه سازمان توسط دختری بود پس
 از رفتن او اعلامیه را نگاه کرد و گفت
 این فدائیا خیلی خوب کار می کنند
 و پیش من احترام دارند. محکم جلوی
 اینها ایستاده اند حکومت هر کاری
 می کند نمی تواند کله پاشان کند."

اصفهان

از گزارش یک بخش از
 تشکیلات فدائیان خلق در اصفهان در
 مورد فعالیتهای تبلیغاتی در فاصله
 زمانی ماه های تیر، مرداد و شهریور
 می خوانیم:

"۱۵۰۰ عدد کار در ماه های تیر و
 مرداد تکثیر و پخش گردید که تعدادی
 از آن پست شده و بقیه در شهر و شهرهای
 اطراف پخش شده است. ضمناً بخش ما
 اعلامیه تحریم انتخابات را در تیراژ
 ۲۵۰۰ عدد تکثیر و پخش نمودیم شعار سازمان
 در اکثر کپسکها تلفن با برجسب زده
 شد.

فعالتهای تبلیغی در مردادماه:

در هفته اول مرداد، سه جزوه
 مربوط به جنگ، زنان و زندانیان
 سیاسی حدود ۱۵۰ عدد غیرمستقیم
 توزیع شد و اعلامیه های فراخوان
 برای برنامه جبهه متحد و زندانیان
 سیاسی و قسمتهایی از پلنوم بطور وسیع
 پخش و در همین هفته اعلامیه ای درباره
 سرده و اوپاشان مبارزه با بی حجابی
 (عباس موحدی سیجانی) تکثیر و پخش
 شد. پخش عمدتاً در محلات
 حکیم نظامی، نظر، وحید، بزرگمهر،

احمدآباد، کورش، شاهزید، آذر،
 اردبیل، سعادت آباد، سیمین،
 دستگرد، فروغی و دروازه تهران انجام
 شد.
 در هفته دوم مردادماه پخش در
 مرحله هر بار ۱۰۰ نسخه اعلامیه تحریم
 انتخابات در کوچه های خیابان چی
 انجام یافت.

۱۲ مرداد: پخش ۵۰۰ نسخه
 تحریم انتخابات و جنگ در
 خیابانهای خیام، آتش، سیمین و
 وحید.

نوشتن ۱۶ شعار در تحریم
 انتخابات و علیه جنگ در خیابانهای،
 خیام، آتش، نارنون، سیمین، وحید
 و شعار بزرگ مرگ بر جنگ و استبداد،
 زنده باد صلح و آزادی، روی پل مارشان.

۱۲ مرداد: پخش موثر ۶۰
 اعلامیه در تحریم انتخابات در
 خیابان فروغی و اطراف آن جعبا پیش
 از ۱۵۰ مورد شعار نویسی با ماژیک
 در تحریم انتخابات (عمدتاً در بانه ها،
 تلفن)

نیمه دوم مرداد: چهارشنبه ۱۶
 مرداد ۹۰۰ نسخه اعلامیه (تحریم
 انتخابات و علیه جنگ) در خیابانهای
 نظر، حکیم نظامی، کورش،
 سعادت آباد، آب ۲۵۰، فیض -
 ابدانا اول (جنوب شرقی شهر) ۲۵۰۰
 نسخه در کوچه های بزرگمهر، شریف
 واقفی و فردوسی پخش شد.

۱۷ مرداد: ۲۵۰ نسخه در
 خیابانهای احمد آباد، شرکتکن و
 قسمتی از بزرگمهر

۱۹ مرداد: ۲۵۰ نسخه در
 خیابان دستگرد پخش شد.

چهارشنبه ۲۲ مرداد: ۲۰۰ نسخه
 در محله مهرانگیز پخش شد.

بطور کلی در این مدت در مورد
 تحریم انتخابات و علیه جنگ و پیام
 به کارگران و دهقانان حدود پنجاهار
 اعلامیه و تراکت تهیه و پخش شد که
 یک مورد پخش علنی در میدان انقلاب
 داشتیم و تعداد ۸۰۰ برجسب تهیه و
 نصب شد. ۱۷ شعار با اسپری و تعداد
 زیادی با ماژیک و مداد شمعی نوشته
 شد.

فعالتهای تبلیغی در نیمه اول شهریور
 ماه:

از اول تا سیزدهم شهریور، هزار
 و صد اعلامیه (پیام به مردم، علیه
 جنگ، و اعلامیه سازمان) در مورد
 جنگ پخش شد. بیش از ۱۵۰ مورد
 شعار نویسی علیه جنگ با ماژیک
 داشتیم.

پنجمشنبه ۱۴ شهریور: پخش ۵۰۰
 نسخه اعلامیه در کوچه های مابین
 خیابانهای حکیم نظامی، چهارباغ بالا
 و خیابان نظر و شریعتی در مورد
 تظاهرات مردم فارسان.

پخش ۵۰۰ نسخه اعلامیه در خیابانهای سعادت آباد، نیکبخت و چهارباغ بالا در مورد تظاهرات فارس و علیه جنگ و پخش ۵۰۰ نسخه از همین اعلامیه در خیابانهای آب ۲۵ و آبادان، اول

پانزدهم شهریور: ۲۰۰ نسخه اعلامیه‌های فوق‌الذکر در خیابانهای حکیم نظامی و حسین آباد پخش شد. طی دو روز پخش، تمام سطح شهر قسمت جنوبی رودخانه زاینده رود یعنی بخش ۵ و ۶ شهر زیر پوشش پخش اعلامیه قرار گرفت."

کومان

بریده‌ای از گزارش یک واحد در کومان:

"۲۰۰ عدد کار تهیه و پخش شد. در یک مورد ۲۰ عدد کار را در پایان مسابقه ورزشی در استادیم شهر پخش کردیم که با استقبال مردم روبرو شد. در ضمن تعدادی تراکت در پارک و محلات پخش گردید. علیه جنگ در مقه جنگ ۱ عدد تعاریز تک پرووی دیوارهای شهر و معابر عمومی نوشته شد.

یکی از کارهای ابتکاری و جالب نوشتن شعار علیه جنگ و برای صلح در محل قبرستان شهر در بالای قطعه شهدا و بر روی دیواره کوهی متفرق به قبرستان بود. این شعار بطول ۱۸ متر و بعرض دو متر نوشته شد که از فاصله دور قابل رویت بود. این شعار با استقبال مردم و خانواده شهدا روبرو شد و بعد از سه روز سیاه انرا رنگ آمیزی کرد."

بندرعباس

از سوی مواداران سازمان بندرعباس اعلامیه‌ای در افشای جنایات رژیم در فارس و بندرعباس توزیع شد. خبر این جنایت رژیم در همین شماره اکثریت درج شده است. کلیشه این اعلامیه را در زیر مشاهده می‌کنید:

شاهین شهر

از یک گزارش تبلیغی از این شهر می‌خوانیم: "در نیمه اول مرداد دو مورد پخش وسیع داشتیم. مورد اول ۲۰۰ اعلامیه در تحریم انتخابات، ۲۰۰ اعلامیه علیه جنگ و ۱۰۰ اعلامیه (ژندانشیان سیاسی و فراخوان برنامه)

رژیم جمهوری اسلامی همان می‌کند که رژیم تئودور شاه همان می‌کرد

مهم مهنسان مبارزا رژیم جمهوری اسلامی که از مل مشکلات مردم بوده، های مردم زمختان ما در مانده است راه نجات خود را در سرگود هر چه عوین ترعین توده، طاجیومی کند و مردم طناب دار را برگردن خود تنگ تر مفسار ه نرفته خوبی این رژیم به جایی رسیده است که حتی خانه های زمختگان را بر سر تا نخراب می‌کند. بنا به اطلاع ما، واصله در تاریخ ۴ شهریور ماه سال جاری مشرفان هاشم رژیم در فارس و واقع در استان چهارمحال بختیاری بنجابی تا، آفریننده، در این روز ما موران خیرداری مثل به افشای چند پاسدار - مزدور خود خیرداری بدون اطلاع قبلی در محل خانه های که مردم زمختگان این شهر را مارج از سدره‌ها کشته‌ین اماکنا شاخته بودند حاضر شدند و از آنان خواستند که خانه‌های خود را ترک کنند زیرا به گفته آنان این خانه ها فاقد پروانه ساخت بوده و باید خراب شوند ولی زمختگان این محل که این خانه ها را با خون دل ساخته بودند بیایی دیگر برای زندگی نداشتند راه را در مقاومت در برابر این پرور ناچار نمراد دیدند. مردم به متاخره لفظی با او در این روزها در این شهر

مردم به حق می‌گویند این رژیم همان می‌کند که رژیم جنایتکار پهلوی می‌کرد. ما مواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) از خواسته های مردم آنان و مبارزه عادلانه آنان حمایت می‌کنیم و تنها با مبارزه متحد و متشکل همه مردم است که می‌توان همانند رژیم شاه متفور این رژیم را به زانو درآورد. به سرورز بساد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی! مواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

۱۰ / شهریور / ۱۳۶۴

همچنین در گزارش تبلیغاتی آنها از جمله آمده است:

"تعداد ۱۹۰ برجسب در رابطه با تحریم انتخابات، تعداد ۲۵۰ برجسب در رابطه با هفته جنگ چسبانده شد و تعداد ۸۰۰ تراکت تلخیص شده مقالات کار در مورد جنگ پخش شد."

که پخش موثر و موضعی شد. مورد دوم ۲۰۰ نسخه در تحریم انتخابات و ۱۰۰ نسخه علیه جنگ پخش شد. همچنین پخش ۱۹۰ نسخه در تحریم انتخابات در یک شب و ۲۰۰ نسخه اعلامیه پیام به مردم. تعداد ۲۵۰ عدد برجسب در مورد تحریم انتخابات چسبانده شد. ۱۲ مورد

شعارنویسی با اسپری در شاهین شهر و جاده اتوبان فرودگاه، جاده دروازه تهران و تعداد زیادی شعارنویسی با ماژیک و مداد سعی انجام یافت. همچنین اوایل شهریور ۲۰۰ نسخه اعلامیه و تراکت پخش شده و ۴۰۰ مورد شعارنویسی با ماژیک داشته ایم"

شهرکرد

گزارش تبلیغی یک واحد در شهرکرد: " ... بطور کلی در مرداد ماه ما حدود ۸۰۰ نسخه اعلامیه و تراکت در تحریم انتخابات پخش کردیم در همین رابطه ۲۰۰ برجسب تهیه و چسبانده شد. تعداد زیادی شعار با ماژیک در تحریم انتخابات و علیه جنگ نوشته شد. یک مورد پخش از بالای یک ساختمان بلند داشتیم که موفق بود. در دو هفته اول شهریور ۴۰۰ عدد اعلامیه و تراکت (اعلامیه درج شده در کار ۱۷، پیام به مردم و متن‌هایی علیه جنگ) پخش کردیم و تعدادی شعار نویسی با ماژیک حول شعارهای سازمان داشتیم.

دوب آهن اصفهان

گزارش واحدی از فدائیان در دزوب آهن: " ... پخش ۱۰۰ اعلامیه در مورد جنگ، قسمتهایی از یلغوم، پیام به کارگران که با استقبال کارگران مواجه شد. در مواردی کارگران اعلامیه‌ها را برای یکدیگر می‌خواندند. پخش ۴۰۰ اعلامیه (در تحریم انتخابات، علیه جنگ، افشای عباس سیجانی، پیام به کارگران ... در چندین مرحله از اول تا ششم مرداد)

اتوبوس قرآنه بجای مدرسه

از مدتی پیش مالکان مدارس استیجاری در پناه رژیم خمینی با احکام تخلیه و به کمک عوامل اجرایی حکومت، میز و نیمکت و بیرونده‌ها و دیگر اسباب و اثاثیه این مدارس را به خیابان می‌ریزند و ساختمان را انتقال می‌کنند. این اقدامات به ویژه در آستانه سال تحصیلی شدت گرفت. با بالا گرفتن اعتراضات مردم، به این اقدامات، عده‌ای از مقامات ریز و درشت حکومتی طبق معمول دست به عوامفریبی زده و در نماز جمعه‌ها و مطبوعات اشک تمساح ریختند و از تمکن و عدم نیاز مالکان سخن گفتند و با یادآوری شرایط جنگی و مصالح اسلام، آنها را موعظه کردند! واکنش خانواده‌ها نسبت به این اقدامات،

تشکیل می‌دهند، فقط تا حد گوشت دم توپ، در جیبه‌های بی‌بازگشت جنگ ارزش قائلند. با یک حساب ساده معلوم می‌شود که با صرف تنها هزینه یک روز جنگ که بالغ بر ۴۰۰ میلیون تومان می‌شود، می‌توان چند صد مدرسه ساخت و یا به بیان دیگر بسایرولی که برای ده روز جنگ صرف می‌شود، می‌توان بیش از ۲۶۸۵ مدرسه استیجاری موجود در سراسر کشور، مدرسه ایجاد کرد. اما مگر رژیم ارتجاع می‌تواند چنین راه حل‌هایی را بیابد و بپذیرد؟ خیر. ارتجاع فکرمای دیگری دارد! شاخه‌های رژیم راهبای دیگری برای مساله پیشنهاد می‌کنند. از آن جمله مدیر کل حقوقی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید: "در حال حاضر با شرکت واحد، مذاکراتی داشتیم تا انشالله با استفاده از اتوبوسهای از

وکلای ارتجاع را که بیشتر از مالکان حریص و سودجو به آینده حکومت می‌اندیشند، به دست و پا انداخت و در مجلس، کلیات یک طرح را برای جلوگیری از تخلیه مدارس تصویب کردند. ولی این طرح با توجه به اساس قرار دادن سرو حرج به اندازه کافی راه فرار از اجرای آنرا باز گذاشته است. زمختگان به تجربه می‌دانند که راه‌های گریز از اجرای قوانین دست پخت مجلس و شورای نگهبان ارتجاع به آسانی پیدا می‌شود. و نیز بشوخی می‌دانند که این تدابیر آبکی رژیم، معطوف به حفظ موجودیت خود می‌باشد، نه اینکه آنها به فکر درس و سواد فرزندان کارگران و زمختگان باشند.

سران جمهوری اسلامی نشان داده‌اند که برای دانش آموزان که هم اکنون بیش از نیمی از بسیجیها را

رده خارج و استقرار آنها در محلی در فضای باز، مدرسه تشکیل شود. ولی باید توجه داشت که بلافاصله پس از شروع درسا، زمستان و سرمای سخت از راه می‌رسد!"

رژیم ارتجاع با پول تحصیلی فرزندان مردم تانک می‌خرد، و بجای، کلاس درس، کودکان و نوجوانان را به سنگرهای مرگ می‌فرستد و در عوض برای آنها می‌کند که جان به درمی‌برند و امکان تحصیل می‌یابند اتفاق حلی می‌گیرد! البته اتفاق حلی فقط برای فرزندان مردم زمختش به عنوان مدرسه در نظر گرفته می‌شود و گر نه فرزندان سرمایه‌داران و وابستگان حکومت مدارس گرم و راحت خود را دارند و برای ده‌ها هزار طلبه کردن کلفت وابسته به رژیم هر روز کاغذ جدیدی ساخته می‌شود.

درویر سایه ولایت فقیه

گوشه‌هایی از زندگی دردآلود مردم در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول.

آخرین اقدامات قوه قضائیه؛

بریدن دو بینی، در آوردن دو چشم ۸۰۰ فقره قتل و دو فقره رجم

دادستان عمومی تهران در مصاحبه مطبوعاتی اول آبان؛

"فصل بر دو قسم است: قصاص نفس و قصاص عضو. تعداد قصاص نفس تقریباً ۸۰ فقره تا به حال احکامش صادر شده و پس از تایید دیوان عالی کشور حدود ۲۰ فقره آن تا کنون به مورد اجرا درآمده و شوع دیگر قصاص عضو است که یکی قطع بینی و دیگری قطع دو چشم که مقدمات اجرای آن فراهم شده.

دو واحد درس

"زباله جمع کردن"

کیهان-۲ آبان؛

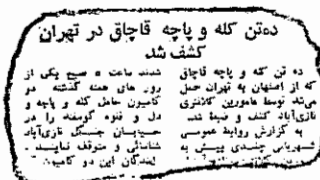
"به مسئولان دانشگاه الزهرا پیشنهاد می‌شود که دو واحد "زباله جمع کنی" را به واحدهای دانشجویان این دانشگاه اضافه کنند، تا دانشجویانی که از انبوه زباله در اطراف این دانشگاه به ستوه آمده‌اند، به کمک شهرداری منطقه بشتابند. دانشجویان دانشگاه مذکور می‌توانند با گذراندن این دو واحد، کمبودهای درسی خود را جبران کنند."

خودکشی؛ یک پدیده عادی

در میهن ما آمار خودکشی، هیچ‌گاه تا این حد که در جمهوری اسلامی مشاهده می‌شود، بالا نبوده است. کافی است جوان درمانده و محروم از کار و تحصیلی کول تبلیغات رژیم مبنی بر جاودانگی عمر ننکین حکومت خمینی را بخورد، تا خودکشی برایش به صورت چاره دردها جلوه کند. قاتل خمینی است و نظامی است که او بر آن فرمان می‌راند؛ قاتل همه آن‌هایی که در جبهه‌ها کشته می‌شوند، آن‌هایی که در زندان‌ها اعدام می‌شوند، آن‌هایی که از فقر و محرومیت می‌میرند... و بالاخره آن‌هایی که به خودکشی متوسل می‌گردند.

عملیات پلیسی خارق العاده

کیهان-۴ آبان،



قاچاق

بالای یک تن آزاد است!

امام جمعه زاهدان در مصاحبه با کیهان ۲۸ مهر؛

"بسیاری از مواقع افرادی آمده‌اند و لیست‌هایی را آورده‌اند که رده‌های پایین مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند. ولی اصل‌کاری‌های باقی مانده‌اند... تن‌ها مواد مخدر تبدیل به گرم شده، اما در همان حال قاچاقچیان که معلوم نیست (!؟) روی چه حساب و کتابی امان نامه گرفته‌اند، با نشان دادن و به رخ کشیدن این کاغذها تن‌ها مواد مخدر را مجدداً حمل و وارد کشوری می‌کنند."

چوب حراج بزنید

یک نماینده مجلس؛

"ایران بهشت زمین شامی است. روی مواد سنگ‌های معدنی که از نظر قیمت، قابل رقابت در بازار جهانی است، قیمت پایه تعیین کنید و برای استخراج به مناقصه بگذارید!"

(کیهان-۲۰ مهر)

کتاب سال در جمهوری اسلامی

نماینده ریاضی دان

یک نماینده مجلس؛

"تقصیر اجنه زیرزمین است یا فرشتگان آسمان؟ از آن که باید پرسید؟ ملتی از این ایثارگرترو رهبری، از این رهبر قوی‌تر در تاریخ دیده‌اید؟ اگر با حمایت این چنین امام امت نتوانید از حل مشکلات و دفع فساد برآیید، پس کی می‌توانید؟"

(کیهان-۲۰ مهر)

ساعات شکوهمند طلوع آفتاب اکتبر

بقیه از صفحه ۱

وضع در هر ساعت به ساعت متنفس ترمی شود. در شب ۲۴ اکتبر، به دستور دولت، نشریه بلشویکی "رابوچی پوت" ممنوع می‌شود. ۸ هزار نسخه روزنامه را مصادره می‌کنند. دولت موقت یورش می‌آورد و با تمام قوا می‌کوشد از قیام جلوگیری کند.

کارگران و سربازان پتروگراد، در برابر فشارها، طی صدها میتینگ و گردمایی و اکنش نشان می‌دهند، از شورای پتروگراد و کمیته انقلابی نظامی پشتیبانی می‌کنند و تحویل فوری قدرت به شورای نمایندگان کارگران و سربازان را خواستار می‌شوند. بلشویک‌ها، که این جنبش را رهبری می‌کنند، توده‌ها را به آرامش فرا می‌خوانند تا از اقدامات سازمان نیافته و خودبخودی جلوگیری شود.

... بر فراز پتروگراد، شب تاریک پاییزی خود را می‌گسترده. شب ۲۴ اکتبر، اسولنی و کاخ زمستانی آماده نبرد می‌شوند.

۲۴ اکتبر (۶ نوامبر)

بعد از ظهر، در محلات علی‌رغم ممنوعیت، شماره‌هایی از نشریه "رابوچی پوت" دست بدست می‌گردد. در یکی از اطلاعاتی چاپ شده آمده است: "جزوه جدید لغین بنام "آیا بلشویک‌ها خواهند توانست قدرت دولتی را نگه دارند؟" منتشر شده و در معرض فروش است. "باید به سئوالی که لغین مطرح کرده، با عمل جواب داد.

ساعت ۵ بعد از ظهر، پستوسکی، دبیر کمیته موقت نظامی، به کمک یک گروه کتیک سربازان، اداره مرکزی، تلگراف را تحت کنترل می‌گیرد. اشغال منظم ادارات پست آغاز می‌شود، آن‌هم بدون شلیک حتی یک گلوله. در خیابان‌های پتروگراد آرامش حاکم است. تراموا رفت و آمد میکند، مغازه‌ها به کسب و کار مشغولند، و در خیابان‌ها مثل مواقع عادی رهگذران زیادی دیده می‌شوند...

در بخشی از شهر که لغین هم هنوز آنجاست نیز اوضاع ظاهراً آرام است. مارگاریتا فوفانو، زن میزبان، بعدها می‌گوید ولادیمیر ایلیچ لغین در آن ساعات واپسین قبل از قیام بسیار هیجان زده بود، بخصوص این که بدستی فکر می‌کرد هرگونه تاخیر در قیام امکان موفقیت را کمتر می‌کند. شامگاه ۲۴ اکتبر، لغین میزبان خود را سه بار با نامه‌ای به کمیته مرکزی می‌فرستد، از جمله نامه معروف "به اعضای کمیته مرکزی"، که شکرانی عمیق لغین از بابت سرنوشت قیام، و باور بی‌کران او به پیروزی پرتوگراد را بازتاب می‌دهد.

اینک گوشه‌ای از این نامه:

"این طور را شامگاه روز بیست و چهارم می‌نویسم. اوضاع بطوری حد و حصر حاد است. کاملاً روشن است که اینک تاخیر در قیام واقعا به معنای مرگ است... باید به هر قیمت امشب، همین امشب دولت را دستگیر کرد. قبل از آن باید کادتها خلع سلاح شوند (اگر مقاومت کنند باید درم کوفت شان)..."

تاخیر را تاریخ را بر انقلابیونی که امروز می‌توانند پیروز شوند (و قطعاً پیروز خواهند شد) اما فردا ممکن است بسیاری چیزها و یا حتی همه چیز را از دست دهند، نخواهد بخشید.

تاخیر در عمل به معنای مرگ است. " ساعت هشت شب، ۲۴ اکتبر، تهاجم، آغاز

می‌شود. واحدهای مسلح، راه آهن بالتیک را اشغال می‌کنند. از دز کرونشتات (واقع در جزیره کرونشتات در دریای بالتیک) ملوانان به کمک می‌آیند. لغین تصمیم می‌گیرد فوراً بدون آنکه منتظر جواب اعضای کمیته مرکزی به آخرین نامه‌اش بماند، اعزام اسولنی شود.

شبی بیادماندنی

شب ۲۵ اکتبر، در تمام پتروگراد، درمیادید و خیابان‌ها نیرویی عظیم متراکم شده، نیرویی که به محض فرارسیدن روز، به توفانی اجتماعی خواهد انجامید. توفانی که نه تنها پتروگراد، نه تنها روسیه، بلکه تمام دنیا را خواهد لرزاند.

شب قیام است. بارسیدن لغین به اسولنی، قیام به سرعت گسترش می‌یابد. رویدادهای، به راه بازگشت ناپذیرشان می‌روند. دیگر نه ساعت، که دقیق است که نتیجه وقایع را معین می‌کند.

در خاطرات آنهایی که در آن شب، قیام را از اسولنی رهبری کردند، این شب به عنوان یک شب توفانی برای همیشه بیادشان ماند.

نیکلای پدوسکی، رئیس کمیته انقلابی نظامی پتروگراد، "در اتاق کوچکی، روی نقشه پتروگراد که به دیوار متصل است، آخرین ضربدرها را به نشانه ضرباتی که باید در خطوط اول، دوم و سوم به ضد انقلاب وارد آید، می‌کشیم. آن چنان مشغول فروکردن سنجاق‌ها به نقشه بودیم که متوجه ورود ولادیمیر ایلیچ به اتاقمان نشدیم. نمی‌توان با کلمات هیجان و شادی‌ای، راکه با دیدن لغین به ما دست داده، توصیف کرد.

آنا تولی لوناچارسکی، که پس از پیروزی انقلاب اکتبر نخستین وزیر آموزش شوروی شد: "توده‌های برافشیده آدم‌ها، در همه کریدورهای اسولنی رفت و آمد می‌کردند. در همه اتاق‌ها حرکت بی‌وقفه بود. اما توفان واقعی، در گوشه‌ای از راهروی بالا بود، جایی که کمیته انقلابی نظامی جلسه داشت..."

دستورها و انتصابات فوق‌العاده مهم، بطور بی‌وقفه دیکته و ماشین نویسی شده و روی زانوها بامداد امضا می‌شوند..."

تمام شب، نمایندگان کارگران محلات به اسولنی می‌آیند. ساعت‌ها می‌مانند و اطلاعات دقیق درباره جریان وقایع در کارخانه‌های خود می‌دهند. ترجیح‌بند همه گزارش‌ها و مراجعات این است: "به ما تفنگ و تهاجم بدهید، دیگر نباید صبر کرد."

قبل از سپیده دم، وقتی مردم شهر هنوز خوابند، هیچکس گمان نمی‌برد که "عملیات بلشویکی"، که مطبوعات بورژوازی روزها بود می‌کوشیدند آن‌ها را از آن بترسانند، دیگر آغاز شده بود. از غلظت ماشین‌های چاپ، روزنامه‌های تازه‌ای بیرون می‌آید که حتی تازه‌ترین خبرهایشان، به شدت از وقایع عقب است..."

قیام بی‌وقفه پیش می‌رود. نزدیک صبح، عملاً تمام شهر تحت کنترل کمیته موقت نظامی است. آنچه بلقعات زحمتکش تحت ستم قرن‌ها رویای آن را دیده‌اند، آنچه بلشویک‌ها به خاطرش آنچنان فداکارانه و پیگیر رزمیده‌اند، تحقق می‌یابد. انقلاب سوسیالیستی روسیه، مارش پیروزمندش را آغاز کرده است!

۲۵ اکتبر (۷ نوامبر)

لغین هنوز در یک اتاق اسولنی خستگی خود را برطرف نکرده که صبح زود، نخستین سند انقلاب

پیروزمند، فراخوان "به همه شهروندان روسیه" را می‌نویسد:

"دولت موقت سرنگون شده است. قدرت

دولتی به دست ارکان شورای نمایندگان کارگران و دهقانان، یعنی کمیته انقلابی نظامی، که در راس بی‌ولتاریای پتروگراد و سربازان پادگان پتروگراد قرار دارد، افتاده است.

اهدافی که خلق برایش مبارزه کرده، یعنی پیشنهادهای فوری صلح دمکراتیک، لغو مالکیت زمینداران، کنترل کارگران بر تولید و تشکیل دولت شوروی تضمین شده‌اند.

زنده باد انقلاب کارگران، سربازان و دهقانان!

کمیته انقلابی نظامی شورای نمایندگان کارگران و دهقانان پتروگراد"

همان روز، این فراخوان در نشریه بلشویکی "رابوچی پوت" منتشر می‌شود. فرستنده رادیویی ژولین "آشورورا" آن کلمات تاریخی را به تمام دنیا می‌فرستد. حوالی ظهر، این فراخوان به صورت اعلامیه‌ای چاپ می‌شود که هزاران نفر از دست هم می‌فایند. از پتروگراد، خبری به روز، قیام خلقی به تمام کشور، به تمام می‌رسد.

دولت موقت که شیرازه‌اش از هم پاشیده، هنوز می‌کوشد کاری صورت دهد، اما از حد و ایمنی دست می‌بازد. هیات پیش از مرگ فراتر نمی‌رود. کرسکی رئیس دولت می‌خواهد به بیست‌وازی نیروهای مسلحی برود که گویا به شتاب به سوی پتروگراد در حرکتند، اما بر نمی‌آید، او اتمبیل پیدا نمی‌شود! وابسته نظامی آمریکا به دادش می‌رسد و کرسکی، تحت فشار، به آمریکا می‌گریزد. پیوسته می‌اندیشد: هر چه دورتر از کاخ زمستانی...

ساعت ۱۴ و ۲۵ دقیقه، شورای پتروگراد در سالن اصلی اسولنی جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌دهد.

"صدای مهمه شنیدیم. چون نمی‌دانستیم چه خبر است، تفنگ بدست به کریدورهای اشتافتیم. معلوم شد جای نگرانی نیست. این، شرکت کنندگان در جلسه‌اند که با شور، از ولادیمیر ایلیچ لغین که روزی تریبون رفته، استقبال می‌کنند."

لغین برآشفته است. صبر می‌کند تا سکوت برقرار شود، و نطق خود را با این سخنان آغاز می‌کند: "رفقا! انقلاب کارگران و دهقانان، که بلشویک‌ها همیشه از ضرورت آن سخن گفته‌اند، انجام شده است..."

از هم اکنون، روسیه وارد مرحله نوینی از تاریخ خود می‌شود، و این انقلاب، که انقلاب سوم در روسیه است، باید نهایتاً به پیروزی سوسیالیسم منتهی شود."

دولت سرنگون شده هنوز در کاخ زمستانی است. کمیته انقلابی نظامی تصمیم می‌گیرد به آخرین دژ قدرت بورژوازی یورش برد. فرش توپ رزمناور "آشورورا" بر روی رود "نوا" علامت برای حمله زان می‌دهد. در شب ۲۶ اکتبر، کاخ زمستانی سقوط می‌کند. وزیران آخرین دولت دیکتاتور، بورژوازی دستگیر می‌شوند.

در شامگاه ۲۵ اکتبر، در اسولنی دومین کنگره شوراها، فرمان روسیه افتتاح می‌یابد. در این کنگره، دو فرانس لغینی با ابعاد تاریخی تصویب می‌شود: فرمان صلح و فرمان زمین. در همین کنگره، دولت شوروی به ریاست لغین تشکیل می‌گردد.

۲۶ اکتبر، برای روسیه نخستین روز عصری نوین است. ●

طرح برنامه

حزب کمونیست اتحاد شوروی منتشر شد

طرح برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی منتشر شد. با انتشار این طرح، بحث گسترده‌ای در میان توده حزبی و محافل اجتماعی کشور پیرامون آن آغاز گردید. در طرح مزبور، تژهای اساسی تئوریک و سیاسی برنامه سوم حزب حفظ شده و در عین حال، آن فرمولبندی‌هایی که درستی آن در آزمایش تاریخی به اثبات نرسیده مورد ارزیابی مجدد انتقادی قرار گرفته‌اند. میخائیل گارباجف در پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب تاکید کرده بود برنامه باید عاری از جزئیات زائد و خیالبافی‌های بی‌مورد باشد.

سازمان ملل متحد

سال ۱۹۸۶ را سال صلح اعلام کرد

در مراسمی که به مناسبت چهلمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد در نیویورک برپا شد، ۱۵۹ کشور عضو، بیانیه‌ی مشترکی انتشار دادند که در آن، سال ۱۹۸۶ به عنوان "سال صلح" اعلام گردید. در این بیانیه با خاطرنشان کردن مسئولیت کشورهای عضو نسبت به منشور ملل متحد، بر ضرورت جلوگیری از یک جنگ جهانی سوم تاکید می‌گردد و کلیه کشورها فرخوانده می‌شوند که تمامی مساعی خود را برای حفظ صلح بکار گیرند.

خاوربیریزدوکوئیاری دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی خود در این مراسم، کلیه کشورهای عضو را فرخواند مسابقه تسلیحاتی را یک امر غیرقابل تغییر تلقی نکنند. به عقیده وی، وجود سلاح بیشتر امنیت جهان را تضمین نمی‌نماید. دبیرکل سازمان ملل از مذاکرات رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو که در آینده نزدیک انجام خواهد گرفت، استقبال نمود و اظهار امیدواری کرد که منافع ملل در این مذاکرات مورد توجه قرار گیرند.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، ادوارد شوارندادزه در این مراسم پیام میخائیل گارباجف را به دبیرکل سازمان ملل و مجمع عمومی تسلیم نمود. میخائیل گارباجف در این پیام تاکید می‌کند که امروزه بیش از همیشه نیاز به حفظ بشریت از یک فاجعه هسته‌ای با اقدامات مشترک همه ملت‌ها احساس می‌شود. این پیام می‌افزاید قبل از هر چیزی لازم است به مسابقه تسلیحاتی روی زمین پایان داده شود و آغاز آن در فضا جلوگیری گردد. میخائیل گارباجف سپس تاکید می‌کند که اتحاد شوروی همچون گذشته و حال با هر امکان موجود در جهت تحقق اهداف سازمان ملل متحد بر مبنای منشور این سازمان خواهد کوشید.

ادوارد شوارندادزه نیز در سخنرانی خود بنام دولت اتحاد شوروی اعلام نمود اتحاد شوروی که تاکنون هرگز هیچ دور مسابقه تسلیحاتی را آغاز ننموده است، سیاست غیرقابل تحریف خود را برای پیشگیری از یک فاجعه هسته‌ای ادامه خواهد داد. وی سپس به اقدامات یک جانبه انجام شده از جانب اتحاد شوروی اشاره نمود. وزیر خارجه اتحاد شوروی اعلام نمود که کشور وی در مقابل "جنگ ستارگان" دولت آمریکا "صلح ستارگان" را قرار می‌دهد و پیشنهاد می‌نماید که فضا تحت نظریک سازمان فضایی بین المللی فقط برای مقاصد صلح آمیز مورد استفاده قرار گیرد.

عکس العمل کشورهای عضو شرکت کننده در مقابل سخنان وزیر خارجه اتحاد شوروی و پیام رهبر اتحاد شوروی، آشکارا نشان دهنده انزوای آمریکادر مجمع بود. ادعاهای غیر قابل دفاع آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر دفاعی بودن تسلیحات فضایی و محدود آن در حد تحقیقات، حتی از جانب کشورهای عضو ناتو و متحدان آمریکا نیز با تردید تلقی گردید.

از سوی دیگر رونالد ریگان در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل بدون توجه به پیشنهادها، اخیر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از یک "شروع جدید" در روابط مابین آمریکا و اتحاد شوروی سخن گفت. این "شروع جدید" پیشنهادی ریگان خود را به سرعت نشان داد. ریگان در سخنان خود از جمله گفت: "خلم سلاح در مذاکرات ژنو مساله اصلی ما نخواهد بود." رئیس جمهور آمریکا برای انحراف اذهان از امر خلم سلاح، گفت مذاکرات ژنو باید در خدمت به اصطلاح "حل بحران‌های منطقه‌ای" در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین باشد و مانند همیشه، با وقاحت، منشا این بحران‌ها را "سیاست شوروی" قلمداد نمود.

پازی "شلاق و شیرینی" و اشنگتن

پارژیم اردن

رژیم ملک حسین پادشاه اردن اخیراً از آمریکائیتقاضای تحویل سلاح به ارزش ۱/۸ میلیارد دلار نمود. پس از موافقت کاخ سفید با این تقاضا، کنکره آمریکا معامله مزبور را متوقف کرده است. نمایندگان دولت آمریکا به رژیم اردن اطلاع دادند سلاح‌های مزبور وقتی تحویل داده خواهد شد که امان وارد مذاکرات مستقیم با اسرائیل بر سر آینده کرانه غربی اشغالی رود اردن و شوار غزه گردد.

از سوی دیگر اسرائیل و آمریکا "شلاق و تجاویز" نظامی را هم به رژیم‌های مرتجع عربی نشان می‌دهند که آخرین نمونه آن، بمباران مقر ساف در تونس و ربودن هواپیمای مصری بر فراز مدیترانه است. بعد از این مورد آخر، دولت ریگان برای "دلجویی" از رژیم‌های دست راستی عرب، "جان و ایت هد" نماینده ویژه خود را به قاهره فرستاد.

دولت آمریکا در تلاش برای دمیدن حیات مجدد به "روند کمب دیوید" می‌کوشد هرچه زودتر مذاکراتی میان اسرائیل از یک سو و یک "هیات مشترک اردنی-فلسطینی" ترتیب دهد.

۵ میلیارد دلار کمک نظامی آمریکا

به پاکستان

به نوشته مطبوعات غربی، اخیراً دولت آمریکا با دادن یک کمک نظامی ۵ میلیارد دلاری جدید به رژیم ضیا الحق موافقت نموده است. پاکستان در سال ۱۹۸۱ از آمریکا ۲/۲ میلیارد دلار کمک نظامی دریافت کرده بود. در لیست تجهیزات درخواستی رژیم اسلام آباد، سیستم‌های جدید شکاری - بمب افکن‌ها، اف-۱۶ که قادر باشند از بوئینگ‌های ۷۰۷ پاکستانی در هوا سوخت بگیرند قرار دارد. بدین ترتیب حوزه عمل هواپیماهای جنگی پاکستان با تحویل این هواپیماها تا اعماق خاک هند گسترش خواهد یافت. شکاری - بمب افکن‌های مزبور قادرند سلاح هسته‌ای حمل نمایند.

اخبار کوتاه

* ژنی در میان ویرانه‌های خانه‌اش، که اشغالگران صهیونیست با خاک یکسان کرده‌اند، می‌گریه. اخیراً این گونه عملیات تروریستی ارتش



اسرائیل در کرانه غربی اشغالی رود اردن رو به افزایش نهادن است. بانه صهیونیست‌ها برای این جنایات، دخالت ادعایی ساکنین عرب این منطقه در عملیات نظامی ضد اسرائیلی است.

* حکومت نظامی در آفریقای جنوبی هفته گذشته به کیپ‌تاون هفت ناحیه همجوار آن گسترش یافت. بدین ترتیب، شماره بخش‌هایی از کشور که در آن، نیروهای سرکوب از اختیارات ویژه برخوردارند، به ۲۸ رسید. در عین حال، ورود رؤسای نامتو کاران به شهرک‌های سیامپوست نشین سوئوتو، میدولند و دیکوف ممنوع شد. هفته گذشته ۶ تن دیگر بدست پلیس رژیم نژادپرست پرتوریا به قتل رسیدند.

* ضد انقلابیون افغانی با حمله موشکی به مسجد اصلی شهر هرات، مرتکب جنایت جدیدی شدند. درست در هنگام برگزاری مراسم نماز، موشک‌های اشرار به مسجد اصابت نموده باعث مرگ ۱۵ تن و مجروح شدن ۷۸ نفر از نمازگزاران گردید.

* در استان‌های لغار و پکتیای افغانستان، نیروهای امنیتی موفق شدند تعدادی از باند‌های اشرار را که به ارعاب مردم غیر نظامی دست می‌زدند، نابود سازند. در جریان عملیات، سلاح‌ها، غنایم، مهمات و اوراق ضدانقلابی از راهزنان به غنیمت گرفته شد.

* منگیتو هایل مریم رئیس شورا، موقت نظامی اتیوپی و رهبر حزب کارگر این کشور اعلام کرد برنامه دولت برای غلبه بر عواقب خشکالی با موفقیت به پیش می‌رود. وی افزود دستاوردهای این برنامه، شمه کار خستگی ناپذیر همه مردم، کوشش‌های مقامات و کمک‌های بین‌المللی بوده است. رهبر اتیوپی خاطرنشان ساخت وضع در اکثر مناطق قطعی شده رو به بهبود است. وی گفت برای محو کامل آثار فاجعه، تحکیم باؤم بیشتر انضباط و سازماندهی ضروری است. گزارش کمیسیون مرکزی برنامه‌ریزی اتیوپی حاکی است ۷/۵ میلیون تن از اهالی مناطق دچار خشکالی شده، کمک فوری غذایی و بهداشتی دریافت کرده‌اند، و نیز در چارچوب برنامه درازمدت مبارزه با کرسنگی، ۵۸۰ هزار تن از اهالی این مناطق به نواحی حاصلخیزتر انتقال یافته‌اند.

از رنج بلوچ

پنج الی پنجاه متر که توسط آب باران پرمی شد و به علت سخت بودن زمین، آب تا مدت‌های مدید راکد می‌ماند استفاده می‌کردند و از این هتکها در امور زراعت و دامپروری نیز استفاده می‌شد. اما به دلیل عدم ریزش باران طی سه سال اخیر و نبودن راههای اتومبیل‌رو آبرسانی به روستائیان مشکلات عدیده‌ای را به همراه داشته است.

خشکسالی در منطقه دشتیاری چابهار ضربات مهلکی بر پیکر کشاورزی و دامپروری روستائیان وارد آورده است بطوریکه در سه ماه گذشته از چهار هزار راس دام متعلق به روستائیان منطقه دشتیاری ۲۰۰۰ راس گاو و گوسفند از فرط گرسنگی و تشنگی به هلاکت رسیده‌اند و روستائیان به منظور جلوگیری از اتلاف مابقی دامهای خود آنها را به شهر آوردند و در معرض فروش با قیمت ارزان گذاشتند. همین روزنامه به نقل از یکی از روستائیان سندیاروژی می‌نویسد:

"وی در پاسخ به این سوال که چه افرادی در روستاهای تخلیه شده باقی مانده‌اند گفت: تنها متولیان و خادمین مساجد برای جلوگیری از تعطیل مساجد... از مهاجرت به شهر نموداری کرده‌اند."

فقر و ستم در بلوچستان بیداد می‌کند. قحطی، گرسنگی و تشنگی با ستم خمینی در آمیخته و چنگ بر گریبان خلق بلوچ انداخته‌اند. دریاچه هامون، چاه‌ها و هتکها خشکیده‌اند. دهقانان بدفبال آب و نان آواره‌اند. در کمترین روستای ده نفر یافت می‌شود. زیر تازیانه رژیم خمینی که بلائی خشکسالی مکمل آن است شهرها و روستاهای بلوچستان چنان می‌نماید که گویی بدست لشکری فاتح غارت شده‌اند. چا بهار یک نمونه است. در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ مهرماه گوشه‌ای از رنج و ظلمی که بر دهقان "چا بهاری" می‌رود منعکس است: "طی سه ماه گذشته اهالی ۲۰ روستای کندو، چیلهر - دانگ - چماز دهی سندیاروژی،... و چوقات به شهر مهاجرت کرده‌اند و با برپاداشتن کبر اراضی دولتی متعلق به شهرداری چابهار را به اشغال در آورده‌اند. ۷۱ خانوار روستائی که سابقاً به امور کشاورزی و کشت ذرت و ماش، پنبه، لوبیا و ارزن در روستاها اشتغال داشتند به شغلای کاذب مشغول شده‌اند..."

روستائیان محروم منطقه چابهار سابقاً از آب هتکهایی با ابعاد

ابراز انزجار رهبران احزاب بزرگ هندوستان نسبت به رژیم‌های ایران و عراق

تداوم جنگ ایران و عراق، و کشتار زندانیان در این دو کشور نفرت و انزجار همه جهانیان را برانگیخته است. نامه اعتراضی رهبران حزب بزرگ هندوستان در سالگرد جنگ خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد جلوه‌ای از این انزجار جهان گستر است. متن نامه چنین است:

به آقای خاویر پریز و دکوئیار
دبیرکل سازمان ملل متحد
عالی جناب!

همانگونه که اطلاع دارید، بیست و دوم سپتامبر، جنگ مخرب و بی‌معنی ایران و عراق وارد ششمین سال خود می‌شود. این جنگ طولانی، صلح جهانی را به خطر انداخته است. به علاوه خطر گسترش جنگ روز بروز به بر خوردهای منطقه‌ای دامن می‌زند. جنگ ایران و عراق، نه تنها برای مردم دو کشور، بلکه برای مردم جهان نیز مصیبت آور است. بهره‌گیران این جنگ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صیبه‌نویسم و رژیمهای ارتجاعی از جمله حکومت‌های ایران و عراق می‌باشند.

جنگ ایران و عراق بهانه‌ای برای حضور نیروی تجاروکار نظامی آمریکار متحدان ناتو، در خلیج فارس و زمینه‌ای برای سوء استفاده از تشنج موجود برای دخالت در امور داخلی کشورها، به بهانه "حفظ منافع حیاتیان" است. حاصل ادامه جنگ، تا تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۸۵ فقط در ایران تا ۷۰۰۰۰۰ کشته، دو میلیون زخمی و علیل، تقریباً هفده هزار زندانی و ده هزار گمشده و سه میلیون آواره بر آورده شده است. ارقام خسارات در عراق نیز به همینسان نجومی می‌باشند. هر دو رژیم حتی از سلاحهای شیمیایی علیه یکدیگر استفاده می‌کنند که نمود جرم بزرگی علیه انسانیت و قوانین بین‌المللی است. هر دو رژیم ادامه جنگ را بهانه‌ای برای توجیه سزاش با امپریالیسم، دستگیری بی‌رحمانه میهن‌پرستان که شامل اعضای حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب کمونیست عراق و دیگر نیروهای مترقی دو کشور می‌باشد قرار می‌دهند. ما امضاکندگان این نامه، بطور واضح و روشن می‌باشند که جنگ را محکوم می‌کنیم. نوشته‌های فوری عبارتند از:

- ۱- اقدام عاجل علیه ادامه این جنگ غیر انسانی
 - ۲- مداخله علیه دستگیری نیروهای میهن‌پرست و برای مسانعت از شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران و عراق
 - ۳- امضاکندگان:
 - ۱- م. فاروقی دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند
 - ۲- ی. م. س. نامبودی ری پاد دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
 - ۳- چیتا باشو دبیرکل جبهه پیشرو سراسری هند
 - ۴- پرتل چودری دبیرکل حزب سوسیالیست انقلابی هند
 - ۵- دکتر بابو کالدیت دبیرکل حزب چانانا (مردم) هندوستان
- رونوشت برای:
- ۱- آقای راجیو گاندی، رئیس جنبش غیر متعهدها
 - ۲- سفارتخانه‌های ایران و عراق در دهلی نو
 - ۳- جراند و روزنامه‌های هندوستان

برای اشتراك نشريات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بنیای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":
۱۳ مارك	۱۱ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴ "	۲۱ "		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	بهای اشتراك نشریه "کار":
۳۰ مارك	۲۷ مارك	<input type="checkbox"/> سه ماهه	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸ "	۵۲ "	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵ "	۱۰۲ "		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 81
MONDAY NOV 4-85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

